

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشکده ادبیات و علوم انسانی

پایان نامه:

جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

رشته زبان و ادبیات عربی

عنوان:

«المرأة في روايتي "زينب" لمحمد حسين هيكل و "سارة"
لعباس محمود العقاد في ضوء النقد النسوي"
(زن در رمان "زينب" اثر محمد حسين هيكل و "سارة" اثر
عباس محمود العقاد در پرتو نقد فمینیستی)

استاد راهنما:

دکتر حسین ابویسانی

استاد مشاور:

دکتر محمدعلی جعفری

دانشجو:

فاطمه کاری

مهر ۱۳۹۰

مهربان فرشتگانی که:

مخاطات ناب یاور بودن، لذت و غرور دانستن، جسارت خواستن، عظمت
رسیدن، و تمام تجربه های یکتا و زیبای زندگیم

مدیون حضور سبز آن ماست.

چکیده‌ی فارسی

باید از زن بگوییم، از این گل خوشبو و نرمی که برگهای عطراگینش پژمرده شده است. همچنین سخنان (در مورد زن) می‌بایستی به همراه بیان عواملی که موجب خشک و پژمرده شدن این گل شده است، باشد. آیا این گل به خودی خود پژمرده گشته است؟ یا بادهایی شدید بر آن هجوم آورده و سرزندگی و طراوتش را از بین برده است؟ آری، یقیناً از سپیده دم تاریخ بشری طوفانهای سوزان سیطره‌ی مردان بر آن وزیده است و گرد باد سنت‌ها و باورهای قدیمی آن را قربانی کرده است. زیرا این سنت‌ها و باورها وجود زن را به عنوان انسانی که رعایت حقوقش بر مرد واجب است، به رسمیت نشناخته است. بنابراین مرد نباید زن را فقط خانه‌داری بداند که وظیفه‌اش چیزی جز پخت و پز و شست و شو و زایمان نیست.

با این حال می‌بایست کسی در مورد زن و حقوق او که تحت این شرایط ظالمانه پامال شده است بنویسد: و چه کسی بهتر از ادیبی شاعر یا نویسنده که عمق این مسأله را درک کرده و آن را طوری که می‌تواند دیگران را نیز متوجه و بیدار کند بنویسد؟

و به راستی که محمد حسین هیکل نویسنده‌ی رمانتیک و توانای مصری و همچنین عباس محمود العقاد شاعر نابغه و بااستعداد مصر، جوهر مسأله‌ی زن را به طور کامل و همه جانبه درک کرده‌اند و در نتیجه با نوشتن دو داستان زینب و ساره ظلم و ستم‌هایی را که در جامعه‌ی مصری در حق زن روا شده به تصویر کشیده‌اند؛ و همچنانکه آشفتگی‌های درونی زن مصری را که تعبیری از آشفتگی‌های درونی تمام زنان در جای جای عالم بشری می‌باشد ترسیم کرده‌اند.

پایان‌نامه‌ی حاضر تلاشی برای تحلیل و نقد دیدگاه‌های فمینیستی این دو ادیب در دو داستان نام‌برده می‌باشد. امیدواریم در رسیدن به هدف مطلوبمان موفق بوده باشیم تا از این رهگذر راه را برای پژوهش‌های مشابه هموار نماییم.

واژگان کلیدی: نقد فمینیستی، زن، محمد حسین هیکل، عباس محمود العقاد

فهرست عناوین

عنوان	صفحه
أ. مقدمه	أ.....
ب. بخش اول : فمینیسم و جایگاه آن در مصر	
فصل اول: فمینیسم	
۱. پیشگفتار	۲.....
۲. مقدمه	۲.....
۳. فمینیسم در لغت و اصطلاح	۳.....
۴. تاریخچه‌ی فمینیسم	۶.....
۵. موج‌های فمینیستی	۱۰.....
۱-۵. موج اول	۱۱.....
۲-۵. موج دوم	۱۴.....
۳-۵. موج سوم	۱۸.....
۶. نظریه‌های فمینیستی	۲۰.....
۱-۶. نظریه‌ی لیبرالی	۲۰.....
۲-۶. نظریه‌ی مارکسیستی	۲۳.....
۳-۶. نظریه‌ی رادیکال	۲۸.....
۴-۶. نظریه‌ی سوسیالیستی	۳۲.....
فصل دوم: فمینیسم در مصر	
۱. فمینیسم اسلامی	۳۵.....
۲. فمینیسم مصری و مراحل آن	۳۸.....
۱-۲. مرحله‌ی اول (۱۸۷۰ - ۱۹۱۸ م)	۳۹.....
۲-۲. مرحله‌ی دوم (۱۹۱۹ - ۱۹۵۵ م)	۴۱.....

۴۲ ۳-۲. مرحله‌ی سوم (۱۹۵۶ - ۱۹۷۵م).
۴۳ ۳. خلاصه‌ی بخش اول.
	ج. بخش دوم: نقد فمینیستی
۴۸ ۱. پیشگفتار
۴۸ ۲. نقد ادبی فمینیستی
۵۴ ۳. تاریخچه‌ی نقد ادبی فمینیستی
۵۷ ۴. موج‌های نقد ادبی فمینیستی
۵۸ ۴-۱. موج اول نقد ادبی فمینیستی
۶۳ ۴-۲. موج دوم نقد ادبی فمینیستی
۶۹ ۴-۲-۱. نقد ادبی فمینیستی انگلیسی آمریکایی
۷۳ ۴-۲-۲. نقد ادبی « فمینیستی فرانسوی »
۷۹ خلاصه‌ی بخش دوم.
	د. بخش سوم : نقد فمینیستی داستان " زینب " و " ساره "
۸۲ ۱. پیشگفتار
	فصل اول: هیکل و اثر مشهور وی " زینب "
۸۲ ۲. شرح حال محمد حسین هیکل
۸۳ ۳. شخصیت هنری هیکل
۸۴ ۴. شخصیت معنوی هیکل
۸۴ ۵. آثار هیکل
۸۶ ۶. خلاصه‌ی داستان زینب
۹۲ ۷. داستان زینب در میزان نقد ادبی
۱۰۲ ۸. شخصیت‌های داستان (زینب)
۱۰۲ ۸-۱. شخصیت‌های اصلی
۱۰۷ ۸-۲. شخصیت‌های فرعی:

۹. نقد فمینیستی داستان زینب..... ۱۰۹
۱۰. جلوه‌های نقد فمینیستی داستان زینب..... ۱۱۰
- ۱-۱۰. فقر زنان و کار سنگین..... ۱۱۰
- ۲-۱۰. آموزش زنان..... ۱۱۶
- ۳-۱۰. نظام پدرسالاری (مردسالاری)..... ۱۲۱
- ۴-۱۰. ازدواج..... ۱۲۷
- ۵-۱۰. توهین به زن..... ۱۳۱
- ۶-۱۰. جایگاه فرودست زنان و سوءاستفاده از آنان..... ۱۳۴

فصل دوم: عقاد و اثر مشهور وی " ساره "

۱. شرح حال عقاد..... ۱۳۸
۲. دیدگاه عقاد در مورد زن..... ۱۳۹
۳. خلاصه‌ی داستان ساره..... ۱۴۱
۴. شخصیت‌های داستان..... ۱۴۹
- ۱-۴. شخصیت‌های اصلی..... ۱۴۹
- ۲-۴. شخصیت‌های فرعی..... ۱۵۰
۵. نقد فمینیستی داستان ساره..... ۱۵۱
۶. جلوه‌های نقد فمینیستی داستان ساره..... ۱۵۴
- ۱-۶. شک و تردید (سوءظن) نسبت به زنان..... ۱۵۲
- ۲-۶. تبعیض در آزادی عاطفی..... ۱۵۶
- ۳-۶. توهین به مقام زن..... ۱۵۸
۷. وجوه اختلاف بین داستان زینب و داستان ساره..... ۱۶۱
- ۱-۷. نخست از لحاظ قالب و شکل..... ۱۶۱
- ۲-۷. از لحاظ مضمون و محتوا..... ۱۶۱
۸. خلاصه‌ی بخش..... ۱۶۳

١٦٧ه.نتیجه نهایی
١٧٠و ملخص الرسالة بالعربية
١٧٣ز- الملخص
١٧٣فهرست اعلام
١٧٨فهرست مصادر
١٨٧چکیده انگلیسی

أ-مقدمه

« و من آیاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَ جَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ »

زنان در هر جامعه‌ای نیمی از پیکره‌ی آن را تشکیل می‌دهند اما با وجود این آنچنان که عدالت و انصاف و اخلاق انسانی حکم می‌کند، حقوق اجتماعی، آموزشی، سیاسی، اقتصادی و ... در مورد آنان به صورت مساوی رعایت نمی‌شود.

بی‌عدالتی‌هایی که در حق زنان اعمال شده، آنان را قربانی جوامع بشری قرارداده‌است. زیرا حدود شش هزار سال از سیطره نظام مردسالاری بر این جوامع می‌گذرد اما تا کنون این نظام مستبدانه به طور قطع ریشه‌کن نشده‌است.

از آنجایی که ادبیات در هر دوره‌ای رسالت به تصویر کشاندن حقایق جوامع انسانی را بر عهده دارد، تلاش می‌کند با استمداد از قلم توانای شاعران و نویسندگانی که بن‌مایه‌ی اصلی فکرشان را دردها و نابرابری‌های اجتماعی تشکیل می‌دهد، تصویری تمام‌نما از این حقایق را ترسیم کند.

ادیب چه شاعر و چه نویسنده خود را فرزند محیط و جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند می‌داند، فرزند دردهایی که در فضای پیرامونش بیداد می‌کند ولی مرهمی به خود نمی‌بیند، او به مدد ذهن نورانی و قلم جادویی خود به سان طبیبی ماهر به درمان بیماری‌های اجتماعی می‌پردازد و با نقد نافذانه‌اش پنجره‌ی دید هم‌نوعان خفته‌اش را به سوی افق‌هایی از نور و روشنایی باز می‌کند.

نقد ادبی فمینیستی نیز چنین مهمی را به سرانجام مطلوبش می‌رساند. نقد ادبی فمینیستی در پی یافتن پاسخی به این پرسش‌های اساسی است: سهم زنان در میراث ادبی بشر چقدر است؟ ادبیات تا چه میزان در انعکاس صدای مظلومیت زنان سهیم است؟ آیا به کمک ادبیات می‌توان اسرار وجود زنان را بازگو کرد؟ ...

پایان نامه‌ی حاضر با بررسی، تحلیل و نقد فمینیستی دو داستان «زینب» اثر دکتر محمد حسین هیکل و «ساره» نوشته‌ی عباس محمود العقاد که هر دو از ادیبان با ذوق و

توانای مصری هستند به دنبال پاسخ‌گویی به سوال‌های یاد شده است. عنوان کامل این پایان نامه « المرأة في روايتي "زينب" لمحمد حسين هيكل و "سارة" لعباس محمود العقاد في ضوء النقد النسوي» می‌باشد.

اهمیت بحث

ادبیات بواسطه‌ی تعبیر زیبایی که ادیب از تجارب شخصی و یا اجتماعی خویش ارائه می‌دهد می‌تواند در ترسیم وقایع اجتماعی بسیار مفیدتر و موثرتر از هر ابزار دیگری عمل کند، و از آنجا که مسأله‌ی حقوق زن از مهم‌ترین موضوعاتی است که می‌توان با بررسی آن به راهکارهای مناسبی برای حل مشکلاتی که گریبان‌گیر زنان است، دست یافت، لذا امید آن می‌رود که این پایان‌نامه با نقد ادبی که به بررسی جلوه‌های فمینیستی دو داستان مذکور می‌پردازد، بتواند سهمی هر چند اندک در بزرگ‌نمایی مسائل مربوط به زنان و به دنبال آن دست‌یابی به راه‌حلهایی عالمانه و منطقی در این ارتباط داشته باشد.

اهداف بحث

از مهم‌ترین اهدافی که در این پایان‌نامه دنبال می‌شود می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

- ۱- دستیابی به اطلاعات و معلوماتی مستند در مورد جنبش فمینیسم و اهداف و گرایش‌های آن.

- ۲- بررسی نقش ادبیات در نقد مسائل مربوط به حقوق زنان.

- ۳- نقد و بررسی جلوه‌های فمینیستی داستان‌های زینب و ساره.

انگیزه‌های اصلی

- ۱- گشودن پنجره‌هایی بر زوایای پوشیده‌ی این دو داستان.

- ۲- اشاره به سهم ادبیات در به تصویر کشیدن مظلومیت زنان.

۳- بررسی نشدن کامل این دو اثر بوسیله‌ی ناقدان و دانشجویان جامعه‌شناسی و ادبیات که خود ضرورت بررسی عمیق آن را مطرح می‌کند.

سابقه‌ی تحقیق

آثاری که به بررسی نقد فمینیستی پرداخته است زیاد می‌باشد، اما در دانشگاه‌های کشور ما تعداد پایان‌نامه‌هایی که به این موضوع در ادبیات عربی اختصاص یافته‌اند بسیار کم است. فقط در دانشگاه «علامه طباطبایی» پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشدی با موضوع نقد فمینیستی «سه گانه‌ی «نجیب محفوظ» وجود دارد. در دانشگاه تربیت معلم تهران نیز پایان‌نامه‌ای با عنوان «المرأة في رواية بداية و نهاية لنجيب محفوظ في ضوء النقد النسوي» از مواردی است که به صورت تخصصی بحث فمینیسم در ادبیات عربی را دنبال کرده است.

بنابراین با توجه به کمبود منابعی که موضوع مورد بحث ما را به صورت علمی در آثار ادبی زبان عربی پی‌گیری کند، روند کارمان با مشکل روبرو بوده است.

از مهم‌ترین این مشکلات دسترسی نداشتن به مقالات یا پایان‌نامه‌ها و کتاب‌هایی در زمینه‌ی تحلیل داستان زینب و ساره می‌باشد. در نقد و تحلیل داستان زینب به هیچ مطلب علمی تخصصی دست نیافتیم، این مشکل در مورد داستان ساره هم وجود دارد، زیرا به دلیل زبان رمز آلود این داستان هر کسی جرأت و یا توانایی پرداختن به آن را ندارد، تنها اثری که در طی چند صفحه توضیحاتی در مورد این داستان داده است «مصادر نقد الرواية في الأدب العربي الحديث في مصر» اثر احمد ابراهیم الحواری می‌باشد که بیشتر مطالب آن تکرار صحنه‌های اصلی اثر است، نویسنده‌ی این کتاب نیز تحلیل و شرح آن را مشکل می‌داند و معتقد است این داستان مثل شرابی غلیظ است که نوشیدن آن برای همگان میسر نمی‌باشد.

به هر حال در نقد این داستانها تا جایی که امکان داشته است از کتابهایی که در ربط موضوع می‌توانسته مفید واقع شود استفاده کرده‌ایم، از مهم‌ترین این کتابها " زنان، اشتغال و مالکیت" اثر مرضیه روشن فر، " بهشت خانواده" نوشته‌ی د. سید جواد مصطفوی، "قی

البدء كان المثنى "از خالدة سعيد و " النظام الأبوي و إشكالية الجنس عند العرب" اثر ابراهيم الحيدري می باشد.

سؤالات تحقیق

- ۱- فمینیسم چه نوع جنبشی است و مهم ترین اهداف و برنامه های آن چیست؟
- ۲- نقد ادبی فمینیستی چه موضوعاتی را مد نظر قرار می دهد و به تحلیل کدام آثار ادبی می پردازد؟
- ۳- نقش ادبیات در ترسیم حقوق از دست رفته ی زنان و مظلومیت آنان چگونه است؟
- ۴- محمد حسین هیکل و عباس محمود العقاد به عنوان چهره های برجسته در ادبیات عربی در داستان های زینب و ساره به چه نکاتی در ارتباط با حقوق زن توجه داشته اند؟

فرضیه های تحقیق

- ۱- فمینیسم جنبشی است که با هدف دفاع از حقوق زن و دستیابی به تساوی بین حقوق زنان و مردان شکل گرفته است.
- ۲- نقد ادبی فمینیستی به بررسی آثار ادبی می پردازد که نویسندگان مرد یا زن در آن خواسته یا ناخواسته نقش زنان را کم رنگ یا منفی جلوه داده اند .
- ۳- ادبیات به کمک نقد تلاش می کند آثاری را که نویسندگان آن به زنان و حقوق آنان بی توجهی کرده اند به چالش بکشد.
- ۴- هیکل و عقاد به عنوان چهره های بارز ادبیات عربی در دو داستان زینب و ساره به موضوعاتی اشاره می کنند که ارتباط نزدیک و عمیقی با مسایل زنان و حقوق آنان دارد و از این رهگذر به نقد جلوه های ظلم به زنان می پردازند.

روش تحقیق: تاریخی، وصفی و تحلیلی

محورهای رساله

این رساله مشتمل بر سه بخش می‌باشد:

بخش اول باعنوان فمینیسم و جایگاه آن در مصر به بررسی مفهوم اصطلاح فمینیسم و تاریخچه‌ی پیدایش و مهم‌ترین اهداف و گرایش‌های جنبش فمینیسم می‌پردازد.

بخش دوم تحت عنوان نقد ادبی فمینیستی به اهداف مورد بحث در نقد ادبی فمینیستی که وجهه‌ی اصلی آن بررسی آثار ادبی که در ارتباط با مسائل و حقوق زنان است، می‌پردازد.

بخش سوم به بررسی و تحلیل فمینیستی دو داستان "زینب" اثر محمد حسین هیکل و "ساره" اثر عباس محمود العقاد اختصاص یافته است. در حقیقت این فصل در پی این هدف است که سهم ادبیات داستانی در خصوص مسائل اجتماعی چون حقوق زنان را جویا شود.

در پایان بر خودم لازم می‌دانم از زحمات بی‌شائبه‌ی استاد راهنمای عزیزم جناب آقای دکتر حسین ابویسانی و استاد مشاور بزرگوارم جناب آقای دکتر محمد علی جعفری که در طول این مدت با راهنمایی‌ها و ارشادات عالمانه‌ی خویش روشنگر راه بنده بوده‌اند کمال تشکر و سپاس‌گزاری را داشته باشم، چه اگر مساعدتهای این دو بزرگوار نبود هرگز این کوشش ناچیز بدین مرحله نمی‌رسید.

بخش اول

فمینیسم و جایگاه آن در

مصر

۱- پیشگفتار

از آنجایی که موضوع این پایان‌نامه بررسی جلوه‌های نقد فمینیستی در دورمان زینب و ساره می باشد، بنابراین لازم است قبل از پرداختن به خلاصه‌ی داستانها و تحلیل فمینیستی آن، مفهوم فمینیسم و انواع جنبش‌ها و گرایش‌های مرتبط با آن مورد ارزیابی قرار گیرد، برای همین منظور فصل اول پایان‌نامه‌ی حاضر به این هدف اختصاص یافته است تا از این رهگذر درون مایه‌ها و فلسفه‌ی اصلی فمینیسم برای خوانندگان روشن و آشکار گردد.

۲- مقدمه

به رغم آنکه نیمی از جمعیت کره‌ی زمین را زنان تشکیل می‌دهند، اما سلطه و تحکم مردان و نبود زمینه‌ی مناسب برای عملکرد زنان، اغلب، آنها را از احقاق حقشان بازداشته است. نگاهی به روابط موجود میان زنان و مردان از آغاز خلقت بشر تا کنون، نشان می‌دهد، جو اختناق و سرکوب کم و بیش بر جامعه‌ی زنان حاکم بوده است. چنانکه معمولاً امکان هر گونه نقش فعال و بارز را در صحنه‌ی فعالیت‌های اجتماعی از آنان سلب کرده است. حدود شش هزار سال از تسلط نظام مستبدانه‌ی مردسالاری بر جوامع انسانی می‌گذرد و علی‌رغم تمام تلاش‌هایی که در راستای برقراری عدالت و مساوات اجتماعی بین دو جنس زن و مرد می‌شود، این نظام زن را قربانی قوانین و سنت‌های عرفی کرده که عامل اصلی بوجود آمدن آن، غلبه‌ی ارزش‌های مرد مدارانه است و نه عامل زیستی و دینی و یا روان‌شناختی. این مسأله‌ی به ظاهر ساده به تدریج موجب شده تا زن در مقام و مرتبه‌ای پایین‌تر از مرد قرار گیرد، چرا که وجود او را به عنوان موجودی انسانی به رسمیت نشناخته، و در نتیجه به دلیل تبعاتی که در پی داشته است مسأله‌ی زنان را به یک بحران تبدیل کرده است. در چند دهه‌ی اخیر مسأله‌ی حقوق زنان چه از نظر حقوقی - اجتماعی و چه از نظر مباحث نظری فمینیسمی مورد اهمیت خاصی قرار گرفته است. امروزه اغلب مردم با واژه‌ی فمینیسم آشنا هستند، اما تعریفی که از آن ارائه شده است غالباً سطحی، تحریف شده و غیر

مسئولانه است. رساله‌ی حاضر کوششی است برای ارائه‌ی مفهومی کلی و جامع از فمینیسم و گرایش‌های مرتبط با آن.

۳- فمینیسم در لغت و اصطلاح

فرهنگ لغت فرانسه، کلمه فمینیسم را که نخستین بار در سال ۱۸۳۷ م در زبان فرانسه ساخته شد، چنین تعریف کرده است: «آیینی که طرفدار گسترش حقوق و نقش زن در جامعه است.»^۱

«ماهنامه‌ی ادبی athenaeum مورخ ۲۷ آوریل ۱۸۹۵ (۱۲۷۳ ه ش) در توضیح کلمه «فمینیست» نوشته: «زنی که در خود ظرفیت مبارزه برای کسب استقلال را دارد.»^۲

فرهنگ لغات انگلیسی «وبستر» معنای فمینیسم را چنین نگاشته است: «طرز تفکری که حقوق اجتماعی و سیاسی زنان را مساوی حقوق مردان دانسته و نهضتی که برای تحقق چنین آرمانی تلاش می‌کند.»^۳

همچنین در فرهنگ (کوچک) حییم واژه‌ی فمینیسم این گونه تفسیر دارد: «عقیده به برابری زن با مرد و مبارزه در این رده.»^۴

همان طور که مشاهده می‌کنیم وجه مشترک تمامی این تعاریف ارائه شده از واژه‌ی فمینیسم، طرفداری از حقوق زنان و اعتقاد به تساوی حقوق آنان با مردان است. فمینیسم هر کجا و هر زمان که مطرح می‌شود بر یک اصل اساسی و آن هم توجه به حقوق از دست رفته‌ی زن، استوار است و اگر هم اختلافی در نحوه‌ی معرفی این حرکت به چشم می‌خورد، ناشی از افراط و تفریط‌هایی است که از جانب برخی هواداران یا مخالفان آن بوجود آمده است.

«فمینیسم از کسب حق انتخاب و آزادی برای زنان آغاز شد اما امروزه دیگر نمی‌توان آن را به این چهار چوب منحصر کرد. در حال حاضر فمینیسم یک خودشناسی پویاست که

^۱ - جنبش اجتماعی زنان: آندره میشل. ترجمه هما زنجانی زاده. مشهد، نشر نیکا، چاپ اول، پاییز ۱۳۷۲ ه ش، ص ۱۱.

^۲ - زنان: سوزان فالودی. ترجمه زهره زاهدی. تهران، ش ۱۳، ۱۳۷۶، ص ۱۷.

^۳ - زنان: صفورا نور بخش. تهران، ش ۶۰، ۱۳۷۸ ه ش، ص ۴۰ و ۴۱.

^۴ - فرهنگ معاصر کوچک انگلیسی - فارسی: سلیمان حییم. تهران، انتشارات امیر کبیر، چاپ ۱۲، ۱۳۸۴ ه ش، ص ۲۰۲.

اساسی‌ترین پرسش انسانی را مطرح می‌کند: من که هستم؟ و «زن بودن» من چه مفهومی دارد؟ فمینیسم مفهوم زن را در شاخه‌های گوناگون دانش مردمدار می‌کاود و رفته رفته جایی برای تعاریف جدید از زن باز می‌کند. بدین ترتیب، فمینیسم به کار عظیم و همه‌جانبه‌ای دست می‌زند و تک‌تک گفتمان‌های دانش بشر را هدف قرار می‌دهد: تاریخ، علوم سیاسی، ادبیات و نقد ادبی، فلسفه، دین، مردم‌شناسی جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، تعلیم و تربیت و ...»^۱

«واژه‌ی «فمینیست» را شارل فوریه، سوسیالیست فرانسوی در اوایل سده‌ی نوزدهم ابداع کرد، او در ذهن خود «زن جدید»ی را تصور می‌کرد که هم جامعه را دگرگون سازد و هم خود به دست جامعه‌ای استوار بر همکاری و همیاری، به جای هم‌چشمی و سودجویی، دگرگون گردد.»^۲ «هنگامی که در اواخر دهه‌ی ۱۹۶۰ گروه‌های زنان تشکیل شد، گاهی نسبت به واژه‌ی فمینیسم نوعی بدگمانی وجود داشت و به جای آن اصطلاح «آزادی زنان» به کار می‌رفت. تصور می‌شد که فمینیسم بسیار محدود است، زیرا، تنها حقوق مدنی و سیاسی زنان را در بر می‌گرفت. اما رفته رفته برخی حوزه‌ی معنایی این واژه را گسترش داده و آن را طرحی برای دگرگونی اجتماعی و نیز جنبشی برای پایان بخشیدن به سرکوب زنان معرفی کردند.»^۳

فمینیسم در همه‌ی اشکالش ادعا می‌کند که ساختارهای اجتماعی و سیاسی در اجتماع، نسبت به زنان تبعیض روا می‌دارد؛ بنابراین به دنبال راهکارهایی است تا این طرز تفکر را به طور کلی ریشه‌کن کند و برای رسیدن به این منظور دارای خط مشی و اصول خاصی است که از آن پیروی می‌کند. مهم‌ترین این اصول عبارتند از:

۱- اصالت دادن به انسانیت افراد و انکار نقش جنس.

۲- استقلال زنان و عدم وابستگی و تابعیت از مردان.

^۱ - زنان: صفورا نور بخش. ص ۴۱ و ۴۲.

^۲ - زنان در تکاپو (فمینیسم و کنش اجتماعی): شیلا روباتام. ترجمه حشمت الله صباغی. بدون مکان، نشر شیرازه، چاپ اول، ۱۳۸۵

ه.ش، ص ۹.

^۳ - همان. ص ۶.

۳- نفی هر گونه نقصی از زنان و انکار وجود جنسی به عنوان جنس دوم.

۴- انکار هر گونه تفسیر مردانه از مسائل زنان و ارائه ی دیدگاههای جدید بر اساس

بینش برابری زن و مرد.

۵- شخصیت‌گرایی و اعتقاد به کرامت و شرافت فردی بر اساس تفسیر جدید خودشان.^۱

افراط در تأکید بر این اصول گاهی فمینیست‌ها را به سمت شعائری پیش برده که عقل سلیم انسانی برخی، بلکه بیشتر این شعایر را نمی پذیرد چرا که آن را مغایر با اصول انسانی و حتی در تعارض با حقوق طبیعی زن می‌داند. اشاره‌ای فهرست وار به چند نمونه از این شعایر ما را در تصدیق مطلب مذکور بهتر یاری می‌کند:

« ۱- به مخاطره انداختن تولد و پرورش بچه های سالم و وقفه ایجاد کردن در تکامل

جامعه. »^۲

« ۲- نفی تفکیک بین نقش زنان و مردان. ۳- جدا کردن روابط تولید مثلی از روابطی

که فقط به منظور کسب لذات جنسی صورت می‌گیرد. ۴- مجاز دانستن زنان برای تصمیم گیری درباره‌ی جلوگیری از حاملگی و سقط جنین. ۵- به رسمیت شناختن خانواده‌های تک والدینی و مادر مجرد. ۶- دفاع از کودک نامشروع. ۷- اشاعه و رواج لذت‌های آزاد جنسی. ۸- آزاد بودن زنان برای برقراری روابط آزاد جنسی همانند مردان. »^۳

همانطور که مشاهده می‌شود، بخش اعظم این اصول و شعائر نه تنها کمکی به حل مشکلات حقوقی زنان نمی‌کند، بلکه به دلیل افراط‌هایی که هیچ توجیه عقلانی و منطقی ندارند، تیشه به ریشه‌ی فطرت زن می‌زند. مسلم است که هر گاه در جامعه‌ای آزادی‌های جنسی حدود و ثغور انسانیت را در هم بشکنند، نمی‌توان آرامش و امنیت جسمی و روحی را برای شهروندان آن جامعه توقع داشت شکی نیست که دفاع از کودکان نامشروع و برابر دانستن آنان با هم‌نوعان مشروعشان چیزی جز لطمه زدن به بنیان خانواده و کانون گرم آن نیست، هرگز

^۱ - چهار تلقی از فمینیسم: جک آلیسون. ترجمه س - امیری، ماهنامه زنان، ش ۲۸ و ۳۱، س پنجم، فروردین و آذر ۱۳۷۵ ه.ش، ص ۲۶.

^۲ - زنان در تکاپو: شیلا روباتام، ص ۱۲.

^۳ - بررسی وضعیت مکتب فمینیسم: اکبر ملکی زاده. نامه پژوهش ۶، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، ش ۶، س دوم، ۱۳۸۶ ه.ش، ص ۱۴۶.

نمی‌توان جامعه و محیط انسانی را متصور شد که زن و مرد در آن به سان چهار پایان در هم ریخته باشند و بدون در نظر گرفتن اصول اخلاقی دست به تولید مثل و باروری بزنند و یا هر وقت اراده کردند اقدام به اعمال ناپسندی چون سقط جنین کنند که این هم از لحاظ جسمی و فیزیکی ضربات و خسارات جبران ناپذیری به زن وارد می‌کند و هم از نظر اخلاق انسانی کاملاً محکوم است.

۴- تاریخچه‌ی فمینیسم

« به یک معنا، فمینیسم همواره وجود داشته است، یعنی از زمانی که زنان تحت تابعیت قرار گرفته‌اند در برابر این تابعیت مقاومت کرده‌اند، مقاومت آنها گاه جمعی و آگاهانه و گاه منفرد و نیمه آگاهانه جهت گریز از نقش‌های تحمیلی از سوی جامعه صورت گرفته است. بیماری، اعتیاد به الکل و مواد مخدر و حتی ابتلا به جنون، اشکال مختلف بروز این مقاومت بوده‌اند.»^۱

تاریخ پدیده‌هایی چون فمینیسم ارتباط تنگاتنگی با حیات بشری دارد. یعنی از همان دورانی که وسوسه‌ها و شیاطین وجود داشته‌اند و انسان را به سوی گمراهی سوق می‌داده‌اند. نگاهی گذرا به تاریخ بشریت در طول اعصار مختلف، بیانگر و مصداق چنین ادعایی است. به عنوان مثال: «جلوگیری از ازدیاد نسل مذکر در دوره‌ی فراعنه‌ی مصر، رواج داشته است. ماما‌هایی بوده‌اند که موالید ذکور را کنترل می‌کرده‌اند. همچنین در عصر پیامبر اکرم (ص) انحرافات فمینیستی یا شبیه آن وجود داشته است. مردانی خود را شبیه زنان و جمعی از زنان خود را همانند مردان ساخته بودند.»^۲ در ارتباط با پیشینه‌ی تاریخی جنبش فمینیسم باید گفت که حقیقتاً تعیین تاریخ دقیق این حرکت کار مشکلی می‌نماید، چرا که مسأله‌ی دفاع از حقوق زنان همزاد تاریخ طولانی بشریت است، شاید بتوان سر نخ‌هایی از این حرکت اجتماعی

^۱ - چهار تلقی از فمینیسم: جک آلیسون. مترجم س - امیری. ماهنامه‌ی زنان، ش ۲۸ و ۳۱، س پنجم، فروردین و آذر ۱۳۷۵ ه. ش. ص ۲۷ و ۲۸.

^۲ - التفسیر: محمد بن مسعود عیاشی. تهران، انتشارات علمیه اسلامیة، چاپ اول، بی تاریخ، ص ۳۶۵.

را در صفحات تاریک و بلند مدت تاریخ جستجو کرد، زمانی (حدود شش هزار سال پیش) زنان ساکن‌دار جوامع بشری بوده‌اند، یعنی زمانی که انسان اولیه هنوز به کشاورزی و یکجانشینی و زندگی تحت حمایت کانون خانواده روی نیاورده بود. در آن زمان زنان دوشادوش مردان به گردآوری خوراک و صید و شکار مشغول بودند و آنقدر در اداره امور خویش و فرزندان دست داشتند که می‌توان گفت پایگاهی برابر و یا حتی بالاتر از مردان در اختیار داشتند.

« اما با کمبود صید، زنان متوجه جمع‌آوری میوه‌ها و دانه‌ها و جوانه زدن و تولید دوباره-ی غلات شدند و این امر به تدریج انسان شکارچی را به انسان کشاورز و دارای پناهگاه‌های ثابت مبدل ساخت. اما رفته رفته با کشف انرژی‌های جدیدی چون باد و آب، و با اختراع فنون جدید در تهیه‌ی ابزار کشاورزی و دیگر امور چون قایق‌سازی و کشتی‌های بادبانی و ... و شناخت خصوصیات مواد و معماری تغییری در جایگاه مردان و زنان به وجود آمد. مازاد محصولات کشاورزی، لزوم شکل‌گیری شهرها را ایجاب کرد و این خود به ایجاد دو طبقه که یکی از دیگری ارتزاق می‌کرد، منجر شد و از اینجا نخستین تعارض طبقاتی تجلی یافت. ^۱ »

« در دوران رنسانس یعنی مقارن با قرنهای پانزدهم و شانزدهم میلادی، زنان متأهل مبدل به موجودات ناتوان شدند که اعمال آنها بدون اجازه همسر یا دادگاه هیچ اعتباری نداشت و این امر خود به نوعی حکومت مرد را بر زن در خانواده مطرح کرد. کنار گذاردن زنان از مسؤولیت-های اجتماعی، وضع زنان کارگر را بسیار وخیم کرد و اختلاف بین دستمزد زنان و مردان را افزایش داد. ^۲ »

تسلط بی‌قید و بند مردان در قرن‌های هفدهم، هیجدهم تحت تاثیر نهضت‌های فکری این دوره، موجب شد تا زنان مجبور به تسلیم شدن در برابر مردان شوند، چنین شرایط مستبدانه‌ای زمینه را برای اعتراض و طغیان زنان علیه تفکر مردسالاری و درخواست حقوق از دست رفته‌ی سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و آموزشی کرد. به طوری که نخستین جرقه‌های جنبش دفاع از حقوق زنان به صورت قانونمند در قرن هیجدهم زده شد. بدین ترتیب در سال

^۱ - بررسی وضعیت مکتب فمینیسم: اکبر ملکی زاده. ص ۱۲۸.

^۲ - همو. ص ۱۳۰.